

## Section 2

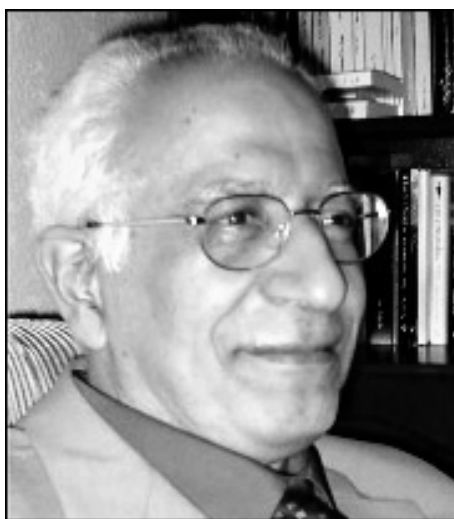
## بخش دوم

## احمدی نژاد و انتخابات آزاد؟

دکتر حسین باقرزاده

hbzadeh@btinternet.com

سه شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۸۶ - ۲۱ اوت ۲۰۰۷



پیدر؟) آقای جعفری البته شرط لازم تحقق «انتخابات آزاد» را آمادگی محکومان برای شرکت در آن می‌داند. صرف نظر از این که در یک جامعه استبدادی، محکومان نمی‌توانند به صورت جمع و از طریق نمایندگان سخن بگویند، این شرط از قبل تأمین شده است. در هیچ جامعه ای نمی‌توان تصور کرد که انتخابات آزادی برای اولین بار برگزار شود و کسانی که تا آن هنگام از شرکت در انتخابات محروم بوده اند از شرکت در آن سر باز زنند. مردم و محکومان که از شرکت در انتخابات آزاد چیزی از دست نمی‌دهند. در همین جمهوری اسلامی دیده شده است که وقتی کسی از محدودیت های انتخاباتی کاسته می‌شود، مردم با علاقه بیشتری به پای صندوق های رأی می‌روند. این حاکمان هستند که ممکن است از انتخابات آزاد زبان ببینند و لذا آمادگی آنان برای تحقق چنین انتخاباتی شرط تعیین کننده است. در این صورت، چگونه می‌توان تصور کرد که جمهوری اسلامی با سابقه ۲۸ سال سلطه استبدادی و خشونت بار که حاصل آن درد و رنج بسیاری برای شهروندان بوده است، و با علم به این که در یک جامعه آزاد ایران باید پاسخگوی بسیاری از عملکردهای خود باشد، صرفاً به دلایلی که آقای جعفری بر سرشده است آماده برگزاری انتخابات آزاد باشد؟ در شرایط حاد و بحرانی، تحولات نامنتظره ممکن است به وقوع بپیوندد. مظفرالدین شاه فرمان مشروطه را امضا می‌کند. محمدرضا شاه صدای انقلاب را می‌شنود. جمهوری اسلامی نیز روزی نه چندان دور، الی الله رجعت خواهد کرد. ولی این تحولات نه به خاطر تمایل حاکمان و کاربرد عقلانیت از سوی آنان و بلکه علازم میل آنان رخ داده و می‌دهد. حتی آقای احمدی نژاد ممکن است خواب نما شود و امام زمانش به او دستور دهد که انتخابات را «آزاد» برگزار کند. ولی انتخابات آزادی که او تحت نظارت ولی فقیه می‌تواند انجام دهد هیچ شباهتی به انتخابات آزادی که یک لیبرال دموکرات می‌شناسد نخواهد داشت. در هر صورت، اگر جمهوری اسلامی به انتخاب آزاد (تری از آن چه که بوده است) تن نداد، آقای جعفری نمی‌تواند گناه آن را پای اپوزیسیون (یا «اپوزیسیون نو») بنویسد. نغمه امیدوار کننده آقای جعفری در برابر آیه های یاس و بدبینی که از آسمان اصلاح طلبی نازل می‌شود تقابل جالبی ایجاد کرده است. این نغمه گرچه به سختی خواهد توانست به پیکره در حال احتضار اصلاح طلبان حیاتی بدهد، ولی زمینه ای ایجاد کرده است که آقای جعفری بتواند با صداقت تمام خواست های دموکراتیک خود را به عنوان یک شهروند مستقیماً با حاکمیت در میان بگذارد. حاکمیت جمهوری اسلامی، اما، ماهیتاً با خواست های این چنینی میانه ای ندارد.

انتخابات آزاد نوعی «آزادی نسبی» در انتخابات است که ساختار حقیقی قدرت در چهارچوب قوانین خود به آن تن دهد، و یا اگر منظور او انتخاب واقعا آزاد است چنین می‌پندارد که ساختار حقیقی قدرت از این مرحله نیز فراتر رود و حاضر شود که ساختار حقوقی قدرت (قوانین و از جمله، قانون اساسی، خود) را نیز در هم بشکند. ظاهراً آقای جعفری چنین می‌اندیشد که حاکمیت را می‌توان تا حد مرحله اخیر نیز کشاند. او با تقسیم بندی جامعه به حاکمان و محکومان، از حاکمیت می‌خواهد که به این مرزبندی خاتمه دهد و به همه شهروندان اجازه دهد که در شرایط برابر در انتخاب شرکت کنند. چنین کاری جز با شکستن ساختار حقوقی جمهوری اسلامی عملی نیست. تغییر سیاسی این امر، نه رفم و اصلاح و بلکه انقلاب است. انقلابی در حد انقلاب مشروطه. انقلاب (به معنای تغییر بنیادین یک نظام سیاسی - صرف نظر از چگونگی تحقق آن) البته شده است و شدنی است، ولی به سختی می‌توان تصور کرد که حاکمیتی صرفاً به دلایل عقلانی و به خاطر مصالح ملی، خود را بالا به چنین کاری دست بزند و قدرت خود را به دیگران (و در این جا، مردم) واگذارد. تلاش آقای جعفری در متقاعد کردن حاکمیت به این که فساد گسترده و بحران های سیاسی حاکم تنها با شرکت دادن ناخودی ها قابل حل و فصل است نیز به سختی می‌تواند در منطق قدرت حاکم جایی باز کند. حاکمیت، درست به این دلیل که خود را در قدرت محتمل می‌داند معتقد است که کلید حل مشکلات نیز در دست خود اوست (به جز این، چگونه می‌توان انتظار داشت که حاکمیت توصیه ای، هر توصیه ای، را

فضای سیاسی ایران برای اصلاح طلبانی که در آستانه دور جدید انتخابات مجلس شورای اسلامی امید گشایی در آن داشتند بسته تر می‌شود. تلاشی های اصلاح طلبان به محوریت خاتمی - کروبی - رفسنجانی برای صف آرایی جدید در انتخابات آینده به جایی نرسیده، و توقیف مجدد روزنامه «شرق» به فاصله یک ماه پس از سرنوشت مشابه برای «هم میهن»، آنان را از حداقل تریبون های خود محروم کرده است. علاوه بر این، افزایش خطر نظامی آمریکا و شدت سرکوب های داخلی، روحیه یأس و استیصال را در بین آنان تشدید کرده و نوعی حالت انفعال را بر آنان مسلط کرده است. در این فضا که اصلاح طلبان خودی نور آمیدی برای شرکت خود در انتخابات نمی‌بینند، سخن از «انتخابات آزاد» از سوی ناخودی ها آن قدر بی محل به نظر می‌آید که توجه خاص خود را می‌طلبند.

رفسنجانی از «شرایط ویژه» سخن می‌گوید، و وزیر دفاع احمدی نژاد مدعی است که «امروز شرایط ما بسیار عادی است... و ما در هیچ شرایط ویژه ای قرار نداریم». و یا در شرایطی که حاکمیت مرتباً از ثبات و «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» سخن می‌گوید، منتقدان آن مانند عباس عبدی خطر فروپاشی سیاسی و اجتماعی جامعه ایران را پیش می‌کشند. حالت یأس و سرخوردگی اصلاح طلبان را بهتر از هر جایی می‌توان در نوشته های اخیر احمدی نژاد آبی دید. او در دو نوشته اخیر خود در نشریه اینترنتی «روز» تصویری تاریک از شرایط سیاسی ایران و ناتوانی اصلاح طلبان در تأثیر گذاری بر این شرایط ارائه می‌دهد. در نوشته هفتم پیش، او از این که «نظام سیاسی، زمام خویش را به دست این طیف ماجراجو و خشونت طلب داده و می‌خواهد با نام آنها شناخته شود» می‌نالد و به خاطر حفظ کشور از خطراتی که در کمین آن نشسته است در نهایت استیصال خطاب به مسئولان می‌گوید که «اگر محتاج التماسید، ما التماس می‌کنیم، اگر نیازمند تمکین، ما تمکین را می‌گوئیم، اگر می‌خواهید ما نفس نکشیم، حاضریم داوطلبانه روانه زندان شویم، اگر عاشق حکمرانی هستیم، ما تا آخر عمر به آن تن میدهم، فقط شما را به خدا، این مملکت را به نقطه ای نرسانید که علی برای کوفه پیش بینی کرد». آقای زیدآبادی سپس در مقاله این هفته خود و با اشاره به بی برنامهگی اصلاح طلبان در گذشته و با تأکید بر این که هشدار و نصیحت به حاکمان نیز به فقط سودی ندارد و بلکه اثر معکوس به بار می‌آورد به این نتیجه منطقی و ناگزیر می‌رسد که «به جای حرکت بر مبنای غرایزمان، بهتر است مدتی درنگ و بلکه توقف کنیم تا دست کم بدانیم که به کدام سو در حرکتیم». او سپس از یک سو پیشنهاد می‌کند که «کلیه نیروهای اصلاح طلب برای مدت شش ماه، از هر آنچه که رنگ و بوی سیاست دارد قهر کنند و عرصه سیاست را به مدعیان جاه طلب آن واگذار کنند» و از سوی دیگر «دیو است-سیصد نفر» رهبران اصلاح طلب «بدون هر گونه اعتراضی به صورت داوطلبانه و دسته جمعی خود را به زندان اوین معرفی کنند» و البته در این که اینان به چنین کاری تن دهند اظهار تردید می‌کند.

در این فضای پر از تردید و یأس و سرخوردگی و «انفعال»، خطر و بحران و سرکوب، شجاعت زیادی می‌خواهد که کسی از «انتخابات آزاد» در اسفندماه آینده سخن گوید، آن هم کسی که نه فقط رابطه ای با هیچ یک از جناح های حاکمیت نداشته که خود از منتقدان پیگیر اصلاح طلبان نیز بوده است. فرهاد جعفری به عنوان یک لیبرال دموکرات می‌داند که انتخابات آزاد چه معنا و لوازمی دارد و با ساختار حقوقی قدرت در ایران نیز آشنا است. به این ترتیب، به سختی می‌توان تصور کرد که او اعتقاد داشته باشد در ساختار جمهوری اسلامی (و با رعایت قانون) انتخاب آزاد عملی باشد. از این رو باید نتیجه گرفت که منظور او از

در تنگ شدن فضای سیاسی ایران در شرایط فعلی تردیدی نمی‌توان کرد. اصلاح طلبانی که در جریان انتخابات مجلس در ۱۳۸۲ و ریاست جمهوری در ۱۳۸۴ از قدرت رانده شدند به تدریج خاموش و خاموش تر شده اند. آنان نه فقط قدرت را از دست دادند که جای پای آنان در سایر ارگان های مؤثر در حیات سیاسی کشور، از مطبوعات گرفته تا انجمن های دانشجویی، اولی به ضرب حکومت و دومی به دلیل رادیکالیزه شدن جنبش دانشجویی، نیز زده شده است. پناه بردن آنان به هاشمی رفسنجانی نیز دردی را دوا نکرد و بلکه بالعکس از اعتبار آنان در بین فعالان سیاسی کاست. نیروی غالب در حکومت در لگد زدن به حریف افتاده خویش درنگ نکرد و تا آنجا که نتوانست آن را تضعیف کرد تا شاید به کلی از صحنه سیاست به کناری رود. دستگیری ایرانیان آمریکایی و متهم کردن آنان به جاسوسی در ماه های اخیر، کسانی که در زمره حلقه های واسط اصلاح طلبان باجهان خارج بشمار می‌رفتند، از آخرین میخ هایی باید محسوب شود که حکومت به تابوتی که برای اصلاح طلبان ساخته بود زده است.

البته و برخلاف تصور حکومت، شاید به تعبیر مارک تواین بتوان گفت که در خبر مرگ اصلاح طلبان اغراق شده است. از سه عضو رهبری اصلاح طلبان، دست کم یکی از آنان یعنی هاشمی رفسنجانی هنوز در قدرت است و حتی از احتمال ششستن او در مقام رئیس مجلس خبرگان که با مرگ مشکینی خالی شده است سخن می‌رود. ولی کسی که در یک انتخابات عمومی از رقیب خود که یک «کوتوله» سیاسی به نام احمدی نژاد بود شکست خورد چه تضمینی دارد که در انتخابات این نهاد بسته در برابر افرادی مانند مصباح یزدی و واعظ طبعی سرنوشت بهتری پیدا کند؟ اگر در آن انتخابات، نهاد ولی فقیه نتوانست در نتیجه رأی گیری تأثیر بگذارد، در این جا که خبرگان چون بز اخفش آماده سرتکان دادن در برابر هر اشاره ولی فقیه هستند کار به مراتب راحت تر است. ولی صرف نظر از این مسئله، قاعده‌تاً نباید کار اصلاح طلبان را تمام شده دانست و تصور کرد نیروی که سه چهار سال پیش دو قوه مقننه و مجریه را تماماً در اختیار داشت کاملاً از صفحه روزگار محو شده است. ولی اگر این نیرو به لحاظ سیاسی هنوز نمرده است دست کم می‌توان گفت که روحیه خود را باخته است. بخش عمده ای از اصلاح طلبان امیدوار بودند که در برابر فشارهای خارجی و بحران های داخلی (که هر دو مرتباً رو به افزایش است) «عقلانی» جناح حاکم به اندیشه چاره بیفتند و از رقیبان اصلاح طلب خود کمک بگیرند و یا دست کم دست آنان را که برای کمک دراز می‌شود پس نزنند. این انتظار البته نامعقول نبود، ولی ظاهراً دو رقیب در حاکمیت ملاک های «خردورزانه» یکسانی را به کار نمی‌گیرند. در حالی که رهبران اصلاح طلب خطر خارجی را جدی می‌گیرند رقیب آنان در حاکمیت تشویش چندانی نشان نمی‌دهد. هاشمی

## انتخاب آزاد در جمهوری اسلامی - توهم یا واقعیت؟

سه شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۸۶ - ۲۱ اوت ۲۰۰۷

در مقاله ماه گذشته<sup>۱</sup> و نقد نظرات آقای فرهاد جعفری<sup>۲</sup> به این نکات پرداختم که: مسئله دموکراسی خواهان حاکمیت مردم است و نه قدرت. بنا بر این برای یک دموکرات این مهم نیست که چه کسی حکومت می‌کند و بلکه مهم این است که حاکمان به پشتوانه رأی مردم به حکومت برسند و به آنان پاسخگو باشند. از این رو، وقتی دموکراسی خواهان از نفی جمهوری اسلامی سخن می‌گویند از نفی نظامی سخن می‌گویند که رأی آزاد مردم را بر نمی‌تابد و به مردم پاسخگو نیست، و این الزاماً به معنای نفی حاکمان نیست. و بالاخره، وقتی یک دموکراسی خواه از «مردم» سخن

می‌گوید نمی‌تواند چیزی جز تمامی مردم را اراده کند، و کسی که قشر و گروهی از جامعه را از تعریف مردم بیرون بگذارد نمی‌تواند خود را دموکراسی خواه بخواند. و گفته بودم که «مردم را دست کم نگیریم!» آقای جعفری در نوشته خود همچنین بر این تأکید من که انجام انتخابات آزاد با ماهیت جمهوری اسلامی تعارض دارد خرده گرفته بودند. من در این مورد به ساختار حقوقی جمهوری اسلامی اشاره کرده بودم. ایشان نتیجه گرفته اند که «چنین فرضی را به کار نگرفته بودم. در واقع، اگر نظر مرا بخواهید، معتقدم که ساختار حقیقی (و نه حقوقی) مانع اصلی تحقق آرمان های دموکراتیک ایرانیان است. چون در دنباله مطلب در صفحه ۲۶

bazmyband.com

Mohammad Ebrahimi  
Persian Musician

محمد ابراهیمی

تدریس و اجرای موسیقی ایرانی، سنتور، تنبک، فلوت و دف

برادران ابراهیمی شادی بخش بزم های خانوادگی و جشن های تولد

Lessons

Performance

Tell: (650) 591-9205

(مراسم عقد و عروسی همراه با ساز و دهل)

تلفن: ۹۲۰۵-۵۹۱-۶۵۰

## Arpan Electric

انجام کلیه امور الکتریکی زیر نظر کادر با تجربه

با مدیریت: مهندس بهروز باقری

✓ روشنائی منازل و محل کار / نصب آلارم و سیستم سکیوریتی / تعویض سیستم قدیم به جدید / تعویض پانل های قدیمی / تعویض سیم کشی های قدیمی به جدید / تعمیرات کلی و جزئی

✓ Commercial &amp; Residential Lighting ✓ Alarm Security Service ✓ Repair Service ✓ Breaker &amp; Fuses ✓ All Lighting ✓ Rewiring ✓ Indoor &amp; Outdoor Lighting ✓ Wire Test &amp; Repair Equipment ✓ Installing New Panel &amp; Repairs ✓ Home/Building Inspection

۷ روز هفته، ۲۴ ساعته در خدمت هموطنان عزیز

(925)705-0595

Fax: (925)609-7182 • www.Arpanelectric.com • 24 Hours &amp; 7 Days available



\* 24-Hour Service \* Confidential \* We Come to You!

در صورتیکه توسط پلیس دستگیر شدید، موارد زیر را رعایت کنید:

۱- با مؤسسه Blue Collar Bail Bonds تماس بگیرید 888-438-6880

۲- با هیچکس به غیر از وکیلان گفتگو نکنید

۳- وکیل مناسب استخدام کنید

۴- مادامیکه در انتظار رسیدن مهلت دادگاه تان هستید عمل غیرقانونی دیگری انجام ندهید

۵- در دادگاه با رفتاری شایسته و لباسی مناسب حضور بهم رسانید

۶- خود را از قبل برای گذراندن دورانی در زندان، از لحاظ مالی و روحی آماده کنید.

Six Important Steps to Follow if Arrested:

1- Call Blue Collar Bail Bonds @ 888-438-6880

2- Do not talk to anyone, except a lawyer

3- Find the right attorney

4- While you wait for your court appearance, lead a very law-abiding life and do not break any more laws

5- Behave and Dress Appropriately in court

6- Prepare for Jail Time ahead of time, emotionally and financially

Contact us today for additional information

WET Corporation (Owner)

We specialize in Quick Release!

همکاران فارسی زبان ما آماده خدمت به شما میباشند!

(408)318-4400

(888)438-6880

Bail License#1844088

(888)GETOUTO